

## سیر تاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه

عبدالقادر کمالی سرپلی\*

### چکیده

حوزه‌های علمیه سیر تاریخی به پهنای تاریخ اسلام دارد؛ زیرا پیامبر ﷺ از آغاز ظهور اسلام و بعثت، توجه زیادی به علم آموزی نمودند و در دوره دعوت پنهانی خود، خانه ارقم بن ارقم را محل آموزش آموزه‌های دینی قرار دادند. هجرت تاریخ ساز پیامبر ﷺ به مدینه زمینه تشکیل حکومت اسلامی را فراهم آورد و با ساخت مسجد نبوی ﷺ این مکان جایی برای گردآمدن صحابه و یاران پیامبر ﷺ و آموزش‌های اسلامی گردید به طوری که کرسی درس بزرگان در این مسجد قرار داشت. با گسترش فتوحات اسلامی و فتح سرزمینهای جدید مکانهای آموزش نیز گسترش یافت و شهرهای مکه، مدینه، کوفه، بصره، بغداد و خراسان، محلی برای تدریس علما و فقها شد. با تأسیس دارالعلم و بیت الحکمه در دوره عباسیان زمینه برای رشد تمدن اسلامی فراهم شد و هم‌چنین حوزه علمیه نجف توسط شیخ طوسی تأسیس شد که این حوزه مکانی برای تدریس فقه شیعه گردید و یکی از تأثیرگذارترین حوزه‌های علمیه در تاریخ به حساب می‌آید. در سده‌های اخیر حوزه‌های علمیه در شهرهای مختلفی به وجود آمد که تأثیر بسیار زیادی بر تمدن اسلامی داشته‌اند. در این زمینه می‌توان به حوزه‌های علمیه خراسان، قم، ری، اصفهان، شیراز و غیره اشاره نمود.

### واژگان کلیدی

مسجد، حوزه‌های علمیه، تاریخ آموزش، حوزه نجف، حوزه قم و ری، حوزه خراسان، حوزه حلب، حوزه اصفهان، تمدن اسلامی، علوم اسلامی.

\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد، تاریخ تمدن اسلامی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه.

## مقدمه

دین مبین اسلام، به همه مظاهر زندگی توجه دارد و به آنها جهت می‌دهد. آموزش یکی از مظاهر زندگی و از ضروری‌ترین نیازهای هر جامعه است. آموزش در نظام اسلامی و تمدن پویای آن، نخستین وسیله طرح اندیشه‌های اسلامی است که ایجاد هم‌آهنگی بین انسان و نیازهای او، ساده‌ترین شکل آن به‌شمار می‌آید. هدف از آموزش در فرهنگ و تمدن اسلامی، تربیت صحیح افراد جامعه است؛ تربیتی که به زندگی آنان انسجام دهد و آن را با معیارهای اسلام منطبق کند. اهمیت آموزش در ادیان الهی بدان پایه است که قرآن کریم، آن را از جمله وظایف پیامبران می‌داند:

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۱</sup>

آموزش در اسلام و تمدن اسلامی، جایگاه و منزلتی رفیع دارد. پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید:

«من خرج يطلب باباً من العلم ليرد به باطلاً إلى حق وضالاً إلى هدى كان عمله  
كعبادة أربعين عاماً»<sup>۲</sup>

تلاش انسانی که برای فراگیری بابی از علم (به منظور احیای حق و هدایت گم‌راهان) حرکت می‌کند، معادل چهل سال عبادت است.

و در جایی دیگر، فاصله درجه عالم و انبیا را در بهشت یک درجه می‌دانند:

«من جائه الموت و هو يطلب العلم ليحيى به الاسلام كان بينه وبين الانبياء درجة  
واحدة في الجنة.»<sup>۳</sup>

با توجه به آیات قرآن و سفارش‌های رسول گرامی اسلام ﷺ و معصومان عليهم السلام، مسلمانان به فراگیری علوم اسلامی پرداختند و در شکوفایی تمدن اسلامی بیش از پیش نقش داشتند. توجه به علم و علم‌آموزی در اسلام، بیش از ادیان دیگر است؛ به همین دلیل، مسلمانان در رشته‌های مختلف سرآمد روزگار هستند. تا سال‌های اخیر، کتاب‌های

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۹.

۲. زین‌الدین علی عاملی، منیه المرید، ص ۱۰۱.

۳. همان، ص ۱۰۰.

ابوعلی سینا و دیگر متفکران مسلمان، در دانشگاه‌های غرب تدریس می‌شد و از این جهت، غربی‌ها وام‌دار فرهنگ و تمدن اسلامی هستند. حوزه‌های علمیه در جامعه دینی ما، از جایگاهی بس والا و مهم برخوردار هستند. حوزه‌ها به مصداق آیه شریفه «ألم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی أکلها کلّ حین بإذن ربها...»<sup>۱</sup>، چونان درختی ثابت و ریشه‌دار، در همیشه تاریخ گذشته، ملجأ جویندگان معارف الهی بوده و میوه‌هایی شیرین و گوارا عرضه داشته و در ساحت علم و تقوا آثاری پر بها برجای گذاشته‌اند. در این نوشتار، نگاهی گذرا به تاریخچه، اهداف و برخی از ویژگی‌های حوزه‌علمیه خواهیم داشت.

### حوزه در لغت و اصطلاح

حوزه در لغت عرب یعنی ناحیه، مجتمع و مکان ثقل و حوزه‌الاسلام به معنای حدود و ثغور و نواحی اسلامی است. کلمه حوزه یا حوزه‌های علمیه، اصطلاحی رایج در جهان به ویژه نزد شیعیان به شمار می‌آید که به معنای مرکز تحصیل علوم دینی، و به اصطلاح، دانشگاهی برای آموزش و فراگیری علوم دینی و قدیمه است که با در اختیار داشتن گنجینه به یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت، فرهنگ بی‌نظیری را در تمام زمینه‌های علمی، اجتماعی و بعضاً سیاسی، از خود به یادگار گذارده است.<sup>۲</sup>

### شکل‌گیری حوزه‌های علمیه در عصر معصومان علیهم‌السلام

#### الف) مکه مکرمه

«دارالتبلیغ ارقم»، اولین حوزه علمیه در آغاز بعثت و قبل از اعلام رسمی رسالت به‌شمار می‌آید. خانه ارقم در دامنه کوه صفا بود. در این محل جلسات آموزش، تبلیغ و تربیت مخفیانه تشکیل می‌شد. بسیاری از مسلمانان در این خانه گرد پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حلقه می‌زدند و از محضر پرفیض او تعالیم اسلامی را می‌آموختند.<sup>۳</sup>

۱. سوره ابراهیم، آیه ۲۴-۲۵.

۲. *دایره المعارف تشیع*، ج ۶ ص ۵۴۹، نشر حجتی، چاپ اول (زیر نظر آقایان: حاج سید جوادی، خرمشاهی، اشکوری، کامران خانی).

۳. پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام*، ص ۲۰۳.

## مسجد یا حوزه علمیه

با علنی شدن دعوت به اسلام و نزول قرآن، مرحله تازه‌ای از شکوفایی تمدن اسلامی و انسانی آغاز شد. قرآن معجزه بزرگ و ارزش‌مند پیامبر اعظم ﷺ به سرعت سرچشمه بسیاری از دانش‌ها گردید و با تأکید و تشویق ویژه قرآن به فراگیری دانش، موج گسترده‌ای برای آموختن علوم گوناگون و به‌خصوص علوم اسلامی، در بین مسلمانان پدید آمد.

نخستین پایه‌های آموزش علوم، معارف و احکام اسلامی در مسجد بنیان نهاده شد و پیامبر ﷺ به عنوان مفسر قرآن، زمان بسیاری را در این مرکز، صرف تعلیم و تفسیر و احکام و معارف قرآنی کردند. مسلمانان نیز با علاقه زیادی، به آموختن معارف و مفاهیم والای اسلامی پرداختند. بنابراین اگر مسجد النبی ﷺ را نخستین حوزه علمیه، و پیامبر اعظم ﷺ را نخستین پایه‌گذار و استاد حوزه علمیه به معنای عام بدانیم، سخنی گزاف نگفته‌ایم.<sup>۱</sup>

با گذشت زمان، حلقه‌های درس و آموزش علوم اسلامی در مساجد رونق ویژه‌ای گرفت. مسجد، اصلی‌ترین کانون آموزش در تمدن اسلامی و در شهرهای مختلف گردید و بیشترین حلقه‌های درس و مناظره و مباحثه در آن بر پا شد. گاه در یک مسجد، چندین حلقه درس در رشته‌های مختلف علوم اسلامی برگزار می‌گشت.<sup>۲</sup>

پیامبر اعظم ﷺ در جنگ بدر، برای با سواد نمودن مسلمانان، تدبیر ویژه‌ای به کار بردند و آزادی اسیران مشرک را به باسواد کردن ده نفر از مسلمانان منوط کردند. زیدبن ارقم از جمله کودکانی بود که در این جریان خواندن و نوشتن آموخت.<sup>۳</sup> این امر، نشان دهنده اهتمام اسلام به آموزش در عصری است که پادشاهان، خواندن و نوشتن را مخصوص خود می‌دانستند و در بعضی از موارد، کسانی را که به سوادآموزی روی می‌آوردند، به شدیدترین شیوه‌ها مجازات می‌کردند. پس از ارتحال رسول اکرم ﷺ زمام امور علمی مکه به دست توانای حضرت علی ؑ و ابن عباس افتاد. این زعامت علمی در میان اهل بیت ؑ تا زمان امام باقر ؑ و امام صادق ؑ کمابیش

۱. محمود، پسندیده، حوزه علمیه خراسان در گذر تاریخ، ج اول، ص ۳۷، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.

۲. احمد، منیرالدین، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت، ص ۱۲۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.

۳. مهدی، پیشوایی، تاریخ اسلام، ص ۱۳۷.

استمرار یافت. ابومحمد عمروبن دینار مکی، از اصحاب امام باقر علیه السلام، از یمن به حجاز هجرت کرد و در مسجدالحرام به تدریس پرداخت. ذهبی نام ۲۳ نفر از شاگردان او را ذکر کرده است.<sup>۱</sup> حلقه درس ابن دینار، محل کسب فیض شیعه و سنی بود.<sup>۲</sup> ابوخلد مسلم، که از اصحاب و راویان امام صادق علیه السلام، شافعی (م ۲۰۴ق) در محضر او درس آموختند.

### ب) مدینه منوره

دسته‌ای از فقیهان شیعه که از صحابه و تابعین بودند، پس از رسول الله صلی الله علیه و آله از مدینه برخاستند و کسانی چون ابن عباس، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، ابورافع<sup>۳</sup> و امام علی علیه السلام، به مدت ۲۵ سال، زمامدار تعلیم و تربیت در مدینه بودند و با صدور رأی و فتوای شرعی در موضوعات مختلف، کوشیدند تا امت از راه رسول خدا صلی الله علیه و آله باز نماند.<sup>۴</sup> حضرت علی علیه السلام در مدینه، بُعد علمی نیروهای جوان را هدایت کردند. لذا به همراه پسرعمو و شاگرد خود عبدالله بن عباس در مسجد، در زمینه حکمت، حدیث و بلاغت، به سخنرانی می‌پرداختند.<sup>۵</sup> آن حضرت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، پیوسته یاور علم و فتوا بودند.<sup>۶</sup> به این ترتیب ایشان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پایه‌گذار مکتب مدینه و نخستین معلم بعد از ایشان به‌شمار می‌آیند. پس از شهادت امام علی علیه السلام، رهبری علمی و تربیتی امت در مدینه بر عهده فرزندان و پیروان امام علی علیه السلام بود. این رهبری در زمان امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید.<sup>۷</sup> پس از واقعه عاشورا، امام سجاد علیه السلام رهبری فکری جامعه را برعهده گرفتند و حلقه درسی در مدینه تشکیل دادند و شاگردان را به طور خصوصی تربیت می‌کردند که در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روحی دوباره گرفتند و به شدت گسترش یافتند. مدینه در دوران امام صادق علیه السلام شهر علمی و پر شوری به‌شمار می‌آمد که به آب حیات دانش آن حضرت زنده بود. ایشان در این شهر، تدریس و مناظره می‌کردند و به تعلیم علوم اهل بیت علیهم السلام

۱. ابن عماد حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۲. *الحوزات العلمیه فی الاقطار الاسلامیه*، ص ۷۵-۷۶.

۳. علی محمد، ادیب حسین، *راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام*، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۷۸-۸۰.

۴. عبدالغنی، عبود، *فی التریبیه الاسلامیه*، ص ۱۰۱.

۵. ابن حجر، عسقلانی، *الاصابه*، ج ۴، ص ۴۶۴-۴۶۸.

۶. جلال الدین، سیوطی، *تاریخ الخلفاء*، ص ۱۷-۱۷۱.

۷. سیدمیر علی، *روح الاسلام*، ترجمه امین محمد الشریف، ج ۲، ص ۳۰۰.

می‌پرداختند. در محیط علمی بازی که ایشان به وجود آوردند، چهار هزار راوی و طلبه فاضل و دانش‌مند پرورش یافتند که جملگی بر سفره دانش گسترده داناترین مردم به کتاب خدا و سنت پیامبرش، نشستند.

در عصر امام باقر و امام صادق علیهما السلام تحولی عظیم در آموزش علوم اسلامی پدید آمد. این دو امام بزرگوار در مسجد نبوی، رواقی برای تدریس داشتند و در خانه خود نیز دارای جلسات درس و گفت‌گویی علمی بودند.

مکتب علمی مدینه که به دست توانای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام پایه‌گذاری شد، با تلاش‌های امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام به بار نشست. در این مکتب تنها به علوم اسلامی و معارف علوی توجه نمی‌شد، بلکه این مکتب همه علوم را در خود جای داده بود که سرانجام به شکوفایی علمی چون شیمی، فیزیک، نجوم و پزشکی در تمدن اسلامی انجامید.

### ج) کوفه و بصره

امام علی علیه السلام پس از هجرت از مدینه به کوفه، به آموزش علوم اسلامی به جوانان پرداختند و بذر فرهنگ اسلامی را به شکلی گسترده پاشیدند و با یاران خود، مکتب کوفه را تأسیس نمودند آن حضرت روحیه پژوهش و میل به کسب دانش را در مردم پرورش دادند.<sup>۱</sup>

کوفه پیش از آمدن امام صادق علیه السلام به آن جا، مرکز عالمان و فقیهان شیعه و از مهم ترین مراکز فقه شیعی بود و فقیهان از سراسر جهان اسلام به آن جا روی می‌آوردند و کرسی‌های تحقیق و تدریس فقه در اختیار فقیهان شیعی قرار داشت.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام در زمان سفاح خلیفه عباسی، به کوفه آمدند و دو سال در آن شهر ماندند. ایشان در برهه‌ای از تاریخ که حکومت امویان سرنگون شد و حکومت عباسیان روی کار آمد، با استفاده از این فرصت پیش آمده، به نشر مذهب شیعی پرداختند. و خانه آن حضرت محل رفت و آمد عالمان و راویان فراوانی بود. امام صادق علیه السلام در این دو سال، مناظره‌های متعددی با فرق گوناگون داشتند و مردم در این مناظرات شرکت می‌کردند.<sup>۳</sup>

۱. هاشم معروف الحسینی، *زندگی نامه دوازده امام علی*، ترجمه، محمد درخشنده، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۲. جعفر سبحانی، *دورالشیعه فی بناء الحضارة الاسلامیه*، ص ۱۲۲.

۳. محمد، ابو زهره، *المیراث عند الجعفریه*، ص ۵۱-۵۲-۵۳.

فقیهان و محدثان شیعه در این دوره، سهم بسیار عظیمی در شکوفایی تمدن اسلامی داشتند. آنها با تألیف ۶۶۰۰ جلد کتاب که از میان آنها چهارصد جلد کتاب برجستگی ویژه‌ای دارد و به اصول چهارصدگانه مشهور است، به چشم می‌خورد. هم‌چنین عالمان شیعه با تأسیس مکتب نحوی کوفه، گامی بزرگ در شکوفایی تمدن اسلامی برداشتند.<sup>۱</sup>

شهر بصره از زمان امام علی علیه السلام و به دست شاگرد توانای ایشان، ابوالاسود دوتلی، مرکز احیای زبان عرب شد و عاقبت به تأسیس مکتب نحوی بصره انجامید. ابوالاسود نخستین کسی بود که مکتب نحوی بصره را تأسیس کرد و قرآن کریم را اعراب و نقطه گذاری نمود. که این حرکت قرآنی ابوالاسود، گامی بزرگ در فهم و صحیح‌خوانی قرآن به‌شمار می‌رفت و در شکوفای علوم وابسته به قرآن، کاری بزرگ بود. از دیگر بزرگان مکتب بصره که در مکتب و حوزه بصره پرورش یافته‌اند به خلیل بن احمد فراهیدی می‌توان اشاره کرد که واضح علم عروض و صاحب کتاب *العین* است.<sup>۲</sup>

### شکل‌گیری حوزه‌های علمیه در عصر غیبت

#### ۱. تأسیس حوزه علمیه بغداد

در سال ۳۲۹ قمری، با وفات آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام (علی بن محمد سمری)، غیبت کبرا آغاز شد. در این مقطع، امام زمان علیه السلام مرجعیت دینی و امور فرهنگی جامعه را به فقهای تربیت شده در مکتب اهل بیت علیهم السلام واگذار نمودند. و شکل‌گیری حوزه‌های علمیه به صورت رسمی بعد از این دوره آغاز شد. شکوفایی تمدن اسلامی، مدیون تربیت عالمانی بزرگ بود که در این نهاد تربیت می‌شدند.

پس از آن‌که منصور خلیفه دوم عباسی، بنای شهر بغداد را نهاد و در سال ۱۴۹ قمری آن را مرکز جهان اسلام اعلام نمود، بسیاری از علمای جهان اسلام به آن‌جا هجرت کردند. وی امام موسی کاظم علیه السلام را به بغداد آورد و تحت مراقبت شدید عباسیان و یا در زندان قرار داشتند، ولی با این حال آن حضرت شاگردانی هم تربیت نمودند. بعد از غیبت کبرا، بغداد مرکز علمی شیعه بود که شیخ مفید رهبری حوزه علمیه آن را برعهده داشت.

۱. دکتر ماجد عرسان، کیلانی، *سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی*، ترجمه و اضافات بهروز رفیعی، ص ۷۱.

۲. صدر، حاج سید جوادی، *دایره المعارف تشیع*، ج ۱، ص ۳۴۱.

شیخ مفید از برجسته‌ترین شاگردان شیخ صدوق و ابن جنید بود وی با نوشتن دویست اثر علمی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، تأثیر فراوانی بر شکوفایی تمدن اسلامی داشت<sup>۱</sup> رهبری این حوزه پس از شیخ مفید برعهده سیدمرتضی بود. حوزه‌ای که وی تأسیس نمود، «دارالعلم» نامیده می‌شد. سیدمرتضی با قرار دادن بخشی از خانه مسکونی خود برای درس، حتی هزینه شاگردان خود را می‌پرداخت و این شهریه را بر اساس فضل شاگردانش تقسیم می‌کرد.

با وفات سیدمرتضی (۴۳۶ق.) شیخ توسی زعامت حوزه علمیه بغداد را برعهده گرفت. وی در منطقه کرخ بغداد که در آن کتابخانه بزرگی وجود داشت و محل حضور دانش‌مندان شیعی بود، به تدریس علوم اسلامی پرداخت. در سال ۴۴۷ قمری، سلجوقیان بغداد را فتح کردند و محله کرخ را به آتش کشیدند. در آن حادثه، کتابخانه و محل تدریس شیخ توسی نیز به آتش کشیده شد و خانه‌اش غارت گردید و شیخ به مهاجرت به نجف مجبور شد. حوزه علمیه بغداد نقشی انکارناپذیر در شکوفایی تمدن اسلامی داشت. این حوزه با گسترش رشته‌های علوم اسلامی و غیر اسلامی، تألیف کتب فراوان در این رشته‌هایی چون نجوم، شعر و ادبیات عرب را موجب گردید.<sup>۲</sup>

## ۲. تأسیس حوزه علمیه نجف

بعد از غارت اموال و آتش‌سوزی کتابخانه عظیم شیخ‌توسی، وی از بغداد به نجف هجرت کرد و بنای حوزه علمیه نجف را در سال ۴۴۸ قمری نهاد. شیخ با سازماندهی طلاب نجف و طلابی که از بغداد با او آمده بودند، مرکز بزرگ علمی جهان تشیع را راه انداخت؛ به طوری که بیش از سیصد مجتهد در درس شیخ شرکت می‌کردند. از این پس نجف به صورت مرکز تدریس فقه جعفری و علوم دیگر در آمد و آل بویه حقوق ماهیانه و هزینه‌های کافی برای شیخ و شاگردانش مقرر کردند.<sup>۳</sup>

حوزه علمیه نجف یکی از مظاهر تمدن اسلامی به حساب می‌آید و نقش عظیمی در توسعه تمدن اسلامی داشته است. نجف مدت یک قرن و نیم اخیر، مرکز مراجع تقلید شیعیانی بود که در سرزمین‌های مختلف اسلامی به سر می‌بردند و از دیرباز از هندی،

۱. احمد بن عثمان، الذهبی، میزان الاعتدال، تحقیق، ابی الفضل زین‌الدین عبدالرحیم بن الحسین، ج ۴، ص ۲۷.

۲. احمد بن عباس، النجاشی، رجال، تحقیق سیدموسی شبیری زنجان، ص ۲۹۹؛ تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳. سیدمحمد، غروی، مع علماء النجف الاشراف، ج ۱، ص ۳۰-۳۸.



پاکستان، افغانستان، سوریه و قفقاز، برای تحصیل علوم اسلامی به آن جا سفر می کردند. روزگار مدیدی پیش از جنگ ۱۳۳۲ قمری بر نجف گذشت که شمار طلاب علوم دینی در این شهر از ده هزار نفر تجاوز می کرد و جهان تشیع از آنان و طلاب دیگر، معارف و فرهنگ دینی خود را به دست می آورد.

حوزه نجف اشرف به مرور به بزرگترین و جامعترین حوزه علمی تبدیل شد که در تاریخ هزار ساله آن، عالمان و مجتهدان فراوانی در آن پرورش یافتند. این حوزه از زمان شیخ توسی تاکنون، هرگز برای تأمین مالی خود به حکومتها روی نیاورده و پیوسته استقلال مالی خود را حفظ کرده است.

ویژگی دیگر حوزه نجف آن بود که تک مذهب و خاص شیعه بود و بر خلاف حوزه علمیه کوفه و بصره، مذاهب دیگر در آن مدرسه‌ای نداشتند.<sup>۱</sup>

شیخ توسی در سال ۴۶۰ قمری وفات یافت و زعامت آن به دست فرزندش، ابوعلی الحسن بن محمد، ملقب به مفید ثانی (م ۵۱۵ ق) رسید. دانش شیخ توسی به اندازه‌ای بالا بود که بعضی از علما، آرا و فتاوی او را در ردیف ادله احکام می شمردند. حوزه بزرگ نجف، فراز و فرودهایی داشت و در زمان محقق کرکی و محقق ثانی نیز دوران شکوفایی را گذراند. این حوزه در طول قرن‌ها هم‌چنان به حیات پر ثمر خود ادامه داده است ولی امروزه که سایه اشغال‌گران بر عراق سایه افکنده، این نماد تمدن اسلامی نیز روزگار خوشی ندارد.

### ۳. تاسیس حوزه علمیه حلب

جنبش علمی شیعه به مراکز و شهرهای گوناگونی مانند حلب و موصل در دوران حمدانیان کشیده شد. علی سیف‌الدوله حمدانی، بسیار اهل علم و ادب‌دوست بود و عالمان، ادیبان و شاعران را گرامی می داشت. این روحیه، موجب شد که حرکت علمی و عقلی در دولت حمدانیان، به ویژه در دوران حکومت علی سیف‌الدوله، از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های علمی به شمار رود؛ چنان‌که بزرگانی چون فیلسوف کبیر معلم ثانی، ابونصر محمد فارابی، از بغداد به حلب هجرت نمودند و در آن جا آثار علمی خود در فلسفه، منطق، الهیات و... را تألیف کردند.<sup>۲</sup> بعدها سیدمرتضی یکی از شاگردان خود به نام «سلار» را به

۱. محمد، الغروی، *الحوزه العلمیه فی النجف الاشرف*.

۲. احمد، امین، *ظهور الاسلام*، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.

عنوان نماینده خود به حلب اعزام کرد تا امور قضا افتا، و تدریس را بر عهده گیرد. سید ابوالمکارم حمزه بن علی بن زهره حسینی (م. ۵۸۵ق) از مشهورترین علمای حلب به‌شمار می‌آید که کتاب *غنیه* او از مشهورترین متون فقهی است.

#### ۴. تأسیس حوزه علمیه حله

وجود بعضی از فقها و طلاب در حله، زمینه را برای حرکتی علمی، مساعد ساخت. حضور شخصیت‌های علمی و شجاع مانند ابن ادریس و غیره، موجب شد که علما و طلاب بسیاری جذب حوزه حله شوند. بدین ترتیب، حوزه علمیه حله از اوایل قرن ششم تا نیمه اول قرن نهم، فعال و پویا بود.<sup>۱</sup>

در زمانی که حوزه علمیه نجف اشرف شکوفا و به حضور عالمان برجسته مزین بود. در شهر حله، حوزه علمیه‌ای پا گرفت که عالمان بزرگی در آن درس آموختند و درس گفتند و مدارس در آن برپا شد و بازار علم در آن داغ بود. این حوزه را ابو عبدالله فخرالدین محد عجلی حلی (م. ۵۸۹ق) بنا نهاد. شماری از عالمان این حوزه عبارتند از: محقق حلی (م. ۶۷۶ق)، علامه حلی (م. ۷۲۶ق) و فخر المحققین (م. ۷۷۱ق).<sup>۲</sup>

#### ۵. تأسیس حوزه‌های علمیه در ایران

##### ۵-۱. قم و ری

از قرن دوم قمری که ابراهیم بن هاشم کوفی، شاگرد یونس بن عبدالرحمن (م. ۲۰۸ق)، به قم مهاجرت کرد. قم و کمابیش ری، از مراکز شیعه شد.<sup>۳</sup> در آغاز قرن چهارم قمری، حرکت علمی شیعه به قم و ری انتقال یافت و کار تدریس، و تحقیق و تألیف در این دو شهر بالا گرفت و تا نیمه نخست قرن پنجم، دانش‌مندان بزرگی در این دو شهر پرورش یافتند که از بزرگان فقه شیعه هستند. در علت انتقال مکتب و مدرسه اهل بیت از عراق به قم و ری، گفته‌اند که حاکمان عباسی بر شیعیان و خصوصاً عالمان شیعی بسیار سخت می‌گرفتند و مجال زندگی عادی و علمی را بر آنان تنگ می‌کردند؛ لذا آنان برای رهایی از ستم عباسیان، به قم و ری روی آوردند تا بتوانند به آسودگی، علوم اهل بیت علیهم‌السلام را تدریس و ترویج کنند؛ چون در آن زمان قم و ری تحت حکومت آل بویه قرار داشت که

۱. منصور، علم الهدی، *درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت*، ص ۲۴.

۲. دکتر ماجد عرسان، کیلانی، *سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی*، ترجمه و اضافات بهروز رفیعی، ص ۷۲.

۳. *دور الشیعه فی بناء حضاره الاسلامیه*، ص ۱۲۴.

شیعه بودند.<sup>۱</sup> در آن روزگار حوزه علمیه قم، از گسترده‌ترین حوزه‌های علمی شیعه بود و در آن صدها مسجد، مدرسه، کتاب‌خانه و مجلس درس وجود داشت. حضور بعضی از علمای نامی در قم در قرن چهارم قمری، گواه این مطلب است؛ علمایی چون: شیخ کلینی (۳۲۹ق)، علی بن ابراهیم بن بابویه (۳۲۹ق)، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (۳۶۸ق)، شیخ صدوق (۳۸۱ق)، سعد بن عبدالله اشعری قمی (۳۰۱ق) و ابوالفتوح رازی (۵۵۲ق). علمای قم در انتقال علمی حوزه از عصر حضور به عصر غیبت، نقشی بزرگ ایفا کردند؛ به طوری که بعضی از کتب از جمله *من لا یحضره الفقیه و اصول کافی* در قم تدوین و نگاشته شده است.<sup>۲</sup>

دوره جدید شکوفایی حوزه قم با حضور آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله شروع شد که سهم بسیار بزرگی در احیای تمدن اسلامی دارد؛ به گونه‌ای که هم اکنون هیچ حوزه‌ای در جهان تشیع به عظمت آن نمی‌رسد و هزاران دانش‌مند و طالب علم از سراسر جهان، در آن به تعلیم، و تدریس و تحقیق مشغول هستند.

#### ۵-۲. حوزه علمیه خراسان

سرزمین‌های شرق اسلامی به‌ویژه خراسان بزرگ (شهرهای مهمی چون: نیشابور، بیهق، مرو، بخارا، بلخ، هرات، توس، و...)، از موقعیت علمی و فرهنگی ممتاز و برجسته‌ای برخوردار بودند و از کانون‌های مهم و معتبر علوم و معارف اسلامی به شمار می‌رفتند. این سرزمین‌ها، خاستگاه عالمان و دانش‌پژوهان معروفی از زمان ظهور اسلام بود. پیشینه علمی - فرهنگی شهرهایی چون هرات، بلخ، توس و نیشابور آشکار است؛ چنان‌که مقریزی می‌نویسد:

کار ساختن مدارس، در چهار قرن پس از هجرت آغاز شد و نخستین کسی که در اسلام مدرسه بنا کرد، اهل نیشابور بود.<sup>۳</sup>

نویسنده *تاریخ بخارا* از مدرسه‌ای در بخارا یاد می‌کند که آن را «فارجک» می‌نامیدند. این مدرسه به سال ۳۲۵ قمری در آتش‌سوزی ویران شد. مدرسه «کولارتکین» از دیگر مدارس بخارا است که در سال ۳۴۸ قمری تأسیس شد.

۱. ابراهیم، حسن، *التاریخ الاسلامی العام*، ص ۴۵۰.

۲. منصور، علم الهدی، *درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت*، ص ۲۵.

۳. *مدارس علمیه قبل از نظامیه*، ص ۳۱۴.

چون امام رضا علیه السلام به خراسان قدم نهادند، فصلی تازه بر دفتر علم و فرهنگ شیعه رقم خورد؛ زیرا آن حضرت با بیان معارف اسلامی و برپایی مناظرات علمی و املائی حدیث، به تربیت دانش‌مندان برجسته‌ای پرداختند که از آن جمله می‌توان به افرادی مانند: فضل‌بن‌شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق)، ابوالحسن سوسنجردی، محمد بن احمد بن حماد مروزی، اباصلت مروی، ریان بن صلت اشعری، اشاره کرد.<sup>۱</sup> وجود امام رضا علیه السلام در خراسان، آبشخور علوم و معارف اسلامی بود. چون آن حضرت به شهادت رسید، مزارش سرچشمه پیدایش حوزه علمیه مشهد شد.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که مشهد دست کم از قرن چهارم قمری، دارای حوزه علمیه شیعی بوده است؛ زیرا شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) مدتی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام حدیث املا می‌کرد و به تدریس علوم اسلامی مشغول بود.<sup>۳</sup>

کهن‌ترین گزارشی که درباره حوزه علمیه مشهد وجود دارد، به گزارش ابن بطوطه مربوط است. وی در سال ۷۳۴ قمری می‌نویسد:

مشهد امام رضا علیه السلام قبه بزرگی دارد. قبر امام علیه السلام در داخل زاویه ای است که مدرسه و مسجدی در کنار آن وجود دارد.<sup>۴</sup>

این گزارش به شیعه و سنی بودن مدارس مذکور نپرداخته ولی چون به نزدیک بودن مضجع امام علیه السلام اشاره دارد، به نظر می‌رسد مدرسه علمیه شیعی بوده باشد. در عصر تیموریان که برخی آن را دوره طلایی مدارس در خراسان خوانده‌اند، حوزه علمیه مشهد گسترش یافت و مدارسی مهمی در آن ساخته شد؛ اما در در دوره صفویه، بزرگ‌ترین، پر رونق‌ترین و با شکوه‌ترین مدارس را با بهترین امکانات وقفی در آن بنا نهادند.<sup>۵</sup>

### ۳-۵. حوزه علمیه اصفهان

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، فیلسوف و طبیب بزرگ جهان اسلام که مدتی وزارت علماءالدوله کاکویه را برعهده داشت، و در آن زمان در مدرسه بزرگی در محله درداشت

۱. محمود، پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج ۱، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. عزیزالله، عطاردی، فرهنگ خراسان، ج ۲، ص ۱۲۷.

۴. سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحدی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۵. محمود، پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج ۱، ص ۴۹.

تدریس می‌کرد. از آن مدرسه فقط گنبدی آجری باقی مانده که گنبد مدرس ابن سینا خوانده می‌شود.

### مسجد جامع مرکز تعلیم و تربیت اسلامی

مسجد جامع از زمان‌های بسیار قدیم، محل تعلیم و تربیت دینی در اصفهان بود. مافروخی از علمای قرن پنجم در کتاب *محاسن اصفهان* می‌نویسد:

برای هر نماز کمتر از پنج هزار نفر در آن مسجد نمی‌کنند. پهلوی هر ستونی از مسجد، استادی (شیخی) قرار دارد که جماعتی از طالبین علم گرد او را گرفته، به وظیفه درس و ریاضت نفس اشتغال دارند. آراستگی این محل به واسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پند دادن واعظها و... است.<sup>۱</sup>

در این مرکز علمی، دانش‌مندان و بزرگانی همانند حمزه اصفهانی، ابوعلی مسکویه، حافظ ابونعیم اصفهانی، اسماعیل (صاحب) ابن عباد، ابوعبدالله و مفضل بن سعد مافروخی اصفهانی فعالیت علمی داشته‌اند. آنان از مفاخر علمی این مسجد تاریخی به حساب می‌آیند.<sup>۲</sup>

در مسجد جامع اصفهان، آثاری از دوره دیالمه دیده می‌شود. ایوان جنوبی این مسجد هنوز به نام صفا صاحب معروف است و معلوم می‌شود که صاحب اسماعیل بن عباد (چهره برجسته شیعه) در این ایوان به تدریس اشتغال داشته است.<sup>۳</sup>

### رونق علمی حوزه علمیه اصفهان در زمان علامه مجلسی

عظمت و گسترش میدان فعالیت علمی علامه ملامحمد باقر مجلسی از یک طرف و منصب‌های رسمی ایشان در زمان خود از قبیل منصب شیخ‌الاسلامی و منصب امامت جمعه و خلق و خوی ایشان از طرف دیگر، باعث شد تا حوزه علمیه اصفهان رونق گیرد. حوزه درسی علامه مجلسی در خانه ایشان و مدرس او در مسجد جامع و کتابخانه عظیم آن، محل جمع شدن طالبان علم و پژوهشگران علوم اسلامی بود. دوتن از بزرگان شیعه به نام‌های میرزا عبدالله آفندی نویسنده *ریاض‌العلماء* و سید نعمت‌الله جزایری، از شاگردان

۱. هنرفر، اصفهان، ص ۱۰۶.

۲. تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۳۴-۳۵.

۳. گنجینه آثار ملی اصفهان، ص ۴۳.

مبرز علامه مجلسی بودند. تعداد شاگردان علامه مجلسی را متجاوز از هزار نفر نوشته‌اند. این نشان دهنده رونق و بالندگی حوزه علمیه اصفهان در زمان علامه مجلسی است. مفضل بن سعد (مافروخی اصفهانی)، از علما قرن پنجم هجری، در کتاب *محاسن اصفهان*، دو جامع بزرگ اصفهان را معرفی می‌کند: یکی جامع بزرگ عتیق (مسجد جامع مشهور) و دوم جامع جدید کوچک، مشهور به جورجیر، که صاحب بن عباد آن را ساخته است.<sup>۱</sup> این مسجد در حوادث تاریخی از بین رفت و به جای آن مسجد حکیم ساخته شد. در سال ۱۰۲۰ قمری به فرمان شاه عباس صفوی، مسجدی ساختند که مسجد شاه نام‌گذاری شد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد امام نام گرفت. مدرسه سلیمانیه در جنوب غربی مسجد و مدرسه ناصریه در جنوب شرقی مسجد تأسیس شده که هر دو جزء ساختمان مسجد است. این مسجد و مرکز دینی، با راه‌نمایی شیخ بهایی بر مبنای فعالیت علمی و حوزوی ساخته شد. در طبیعت این پایگاه بزرگ دینی، فعالیت علمی و عبادی رابطه‌ای تنگاتنگ یافت؛ به طوری که شخصیت‌های معروفی در آن به تدریس و تعلیم مشغول بودند؛ از جمله میرمحمد اسماعیل خاتون‌آبادی که عالمی بزرگ و نویسنده *تفسیر قرآن* در چهارده جلد است؛ علمایی که مصدر و منشأ خدمات برتر اسلام و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام بودند.

### نتیجه

با آغاز دعوت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکه، دعوت به آموزش و یادگیری نیز آغاز شد؛ به طوری که در جنگ بدر، وقتی اسیران باسواد نتوانستند هزینه آزادی‌شان را پردازند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آزادی آنها را به باسواد کردن ده نفر از جوانان مسلمان منوط کردند. با تشکیل دولت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسجد نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مهم‌ترین مرکز آموزشی شد. با گسترش فتوحات و سرزمین‌های اسلامی، مراکز علمی نیز گسترش یافت و کم‌کم حوزه‌های علمیه به وجود آمد که علما در آن، علوم اسلامی را تدریس می‌کردند. حوزه‌های علمیه سهمی بزرگ در تمدن اسلامی داشتند؛ به طوری که علوم اسلامی در همه دوران‌ها مدیون حوزه‌های علمیه است و این دو، عنصری جدایی‌ناپذیر هستند. مهم‌ترین حوزه‌های علمیه که تأثیر زیادی بر تمدن اسلامی داشتند، عبارتند از: حوزه نجف اشرف، حوزه علمیه قم، حوزه علمیه

۱. *محاسن اصفهان*، ص ۸۶.

شام شامل حلب و جبل عامل و حوزه علمیه خراسان. حوزه‌های علمیه امروزه نیز سردمدار  
زعامت علمی جهان تشیع هستند.

## منابع

### قرآن مجید

۱. آدم، متز، *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، ج ۱.
۲. ابن بطوطه، *سفرنامه*، ترجمه محمدعلی موحدی، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب زیر نظر احسان یار شاطر.
۳. ابوزهره، محمد، *المیراث عند الجعفریه*، انتشارات سپهر، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۴. الحسنی، هاشم معروف، *سیره الائمه الاثنی عشر*، انتشارات مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۶ ق/ ۱۳۸۴ ش.
۵. پسندیده، محمود، *حوزه علمیه خراسان در گذر تاریخ*، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۶. پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام (تاریخ پیامبر اعظم)*، چاپ اول، چاپ نهاد رهبری در دانشگاه‌ها ۱۳۸۳ ش.
۷. حسن، ابراهیم، *التاریخ الاسلامی العام*.
۸. حنبلی، عبدالحی بن احمد ابن عماد، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، دارالفکر للطباعه و النشر والتوزیع، بیروت لبنان، ۱۴۱۴ ق.
۹. دیب حسین، علی محمد، *راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)*، ترجمه اسدالله مبشری، چاپ اول، مؤسسه انجام کتاب، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق ابی الفضل زین الدین و عبدالرحیم بن الحسین، دارالفکر للطباعه و النشر والتوزیع، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م.
۱۱. سبحانی تبریزی، جعفر، *دور الشیعه فی بناء الحضارة الاسلامیه*، چاپ دوم، قم.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق شیخ قاسم الرفاعی و محمد عثمانی، دارالعلم للطباعه و النشر، بیروت لبنان، ۲۰۰۳ م.
۱۳. صدرحاج جوادی، *دایره المعارف تشیع*، چاپ اول، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۷۸ ش.



۱۴. عاملی، زین‌الدین بن علی معروف به شهید ثانی، *منیه المرید فی آداب المفید* *والمستفید*، تحقیق رضا مختاری، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. عسقلانی، ابن حجر، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق جمعی از محققان، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. عطاردی، عزیزالله، *فرهنگ خراسان*، ج ۲.
۱۷. علم‌الهدی، منصور، *درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت*.
۱۸. غروی، سیدمحمد، *مع علماء النجف الاشرف*، ج ۱.
۱۹. کاشفی، محمدرضا، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، چاپ اول، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. کیلانی، ماجد عرسان، *سیرآرای تربیتی در تمدن اسلامی*، ترجمه و اضافات بهروز رفیعی.
۲۱. منیرالدین، احمد، *نهاد آموزش اسلامی*، ترجمه محمدحسین ساکت، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.